

روابط با خویشاوندان

گردآورنده:

قریب الله «مطیع»

عنوان کتاب: روابط با خویشاوندان
گرد آورنده: قریب الله «مطیع»
موضوع: اخلاق اسلامی - اخلاق خانوادگی
نوبت انتشار: اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار: آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری
منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaiislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	أ
مقدمه	۱
تمهید	۵
فصل اول: کناره‌گیری و بریدن با خویشاوندان.....	۷
چگونگی قطع رابطه با خویشاوندان و اقارب:.....	۸
اموریکه باعث قطع علاقه میان خویشاوندان می‌شود	۹
اثرهای ناگواریکه از قطع علاقه با اقارب ببار میاید	۱۴
فصل دوم: صلۀ رحم یا رابطه با اقارب	۱۷
معنای صلۀ رحم:	۱۷
حکم صلۀ رحم:	۱۷
فضیلت و بهره‌ی نیک صلۀ رحم:	۲۱
۱- پیوند رحم از بزرگترین اسباب داخل شدن به بهشت است:.....	۲۱
۲- پیوند رحم علامۀ ایمان به خداوند متعال و روز رستاخیز است:	۲۲
۳- پیوند رحم سبب نزدیکی بنده به خداوند <small>عَلَّامٌ</small> می‌گردد:	۲۲
۴- پیوند رحم طاعت خداوند است:.....	۲۲
۵- پیوند رحم سبب فراخی روزی و زیاد شدن عمر می‌باشد:.....	۲۳
۶- صدقه بر خویشاوندان تنگدست و بینوا أجر و پاداش دو چند دارد:	۲۳
۷- پاداش صلۀ رحم و قطع آن هر چه زودتر داده می‌شود:	۲۳

- ۸- پیوند رحم سبب محو گناهان می‌گردد: ۲۴
- ۹- کسیکه صله رحم را پیوسته می‌دارد: ۲۴
- ۱۰- پیوند رحم از جمله خوبی‌ها و صفات برجسته است: ۲۴
- ۱۱- پیوند رحم دلالت به فراخی سینه، اخلاق عالی، نیک سرشتی، وفا، صداقت و جوانمردی می‌کند. ۲۵
- ۱۲- مردمانیکه پیوند رحم را پیوسته می‌دارند: ۲۵
- اموریکه پیوند رحم را محکم و پایدار نگه می‌دارد ۲۵
- ۳۱- **مآخذ**

مقدمه

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبي بعده وعلى آله وأصحابه
الذين صدقوا وعده وبعد:

به همه هویدا است که آئین مقدس اسلام، آئین اخلاق، احسان، مروت، شفقت، رحمت، عدالت، مساوات و کلیه فضیلت‌ها و بلاخره خوشبختی دنیوی و اخروی بنده‌گان خداست، دساتیر و فرامین و الایش با هر عصر و زمانی هماهنگ و سازگار بوده، پیروزی و موفقیت پیروان خود را تأمین و تضمین نموده است.

اسلام عزیز پیروانش را به یکپارچگی، وعدم تفرقه امر می‌نماید چنانکه حضرت پیغمبر بزرگ اسلام ﷺ فرمودند:

«مسلمان برادر مسلمان است، به وی خیانت نمی‌کند، دروغ نمی‌گوید، و او را خوار نمی‌کند، همه ارزش‌های یک مسلمان بر مسلمان حرام است، آبرویش، مالش و خونش، آگاه باشید که تقوی این‌جاست (درقلب). کافیسست برای شخص از شر و بدی، که برادر مسلمانش را تحقیر کند»^(۱).

چنانکه از قطع رابطه و بریدن، عموم مسلمانان را منع نموده است. حضرت محمد ﷺ می‌فرماید:

«برای مسلمان روا نیست که بیش از سه شبانه روز برادرش را ترک کند و آنکه بیش از سه شبانه روز ترک کند و بمیرد به دوزخ داخل می‌گردد»^(۲).

۱- روایت ترمذی، حدیث حسن.

۲- روایت ابوداود با شرط بخاری و مسلم.

در روایت دیگری آمده است که آنحضرت ﷺ فرمودند:

«آنکه برادرش را یکسال ترک کند، این کار مثل ریختن خون اوست»^(۱).
مراد از کلمه (برادر) درین حدیث هر مسلمانی است، پس قطع رابطه با
خویشاوندان و اقارب را چه فکر می‌کنید؟!

متأسفانه دوری مسلمانان از فرامین و اوامر خدا و رسولش علیه الصلاة
والسلام باعث حقیر شمردن بسیاری از گناهان بزرگ شده است، قطع رابطه
با اقارب برابر با پیمان شکنی و فساد در روی زمین بوده عاقبت بدی را در
پیش دارد. بسیاری از خانواده‌ها درین مورد سهل‌انگاری می‌نمایند. ماه‌ها و
سال‌ها می‌گذرد ولی کینه و کدورت‌ها از میان برداشته نمی‌شود، اگر سبب
دوری و جدایی پرسیده شود شاید جواب بی‌معنی و خنده آوری را بگویند.

در حقیقت اکثر مردم ضرورت به متوجه ساختن این خصلت بد که
دامنگیر خانواده‌ها و خویشاوندان شده است، دارند. زیرا بسیاری از مسلمانان
امروزی فریفته عادات و کلتور غرب شده‌اند، شاید مردی در یک محله با
خویشاوندانش زندگی داشته باشد ولی از دیدن و خبرگیری آنان مستغنی
است در حالیکه قادر به آن است.

این نامه کوتاه را برای برادران و خواهران مسلمان تقدیم می‌دارم تا
دشمنی، عداوت، کینه و کدورت را کنار گذاشته راه دوستی، الفت، محبت و
خودگذری را با همه و بالخصوص با اقارب پیش گیرند تا سعادت، خوشبختی
و زندگی مملو از محبت و صمیمیت نصیب‌شان گردد.

با تقدیم احترام

قریب الله «مطیع»

مدینه منوره

٢٢ جمادى الآخرة
سال ١٤٢٥ هجرى

تمهید

خواننده گرامی! خویشی و قرابت به دو نوع تقسیم می گردد:

۱- قرابت نسبی

۲- قرابت دینی و ایمانی

قرابت نسبی دو نوع است: نوعی از آن‌ها میراث می‌برند و نوعی نمی‌برند. در قرابت نسبی بر بعضی نفقه لازم است و بر بعضی نفقه لازم نبوده بلکه از روی احسان و صلہ رحم صورت می‌گیرد.

اما قرابت دینی و ایمانی همانا برادری اسلامی است، که خداوند متعال فرموده است:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ [الحجرات: ۱۰].

«همانا مومنان برادر یکدیگراند».

هر مسلمانی بر دیگر مسلمان حقوقی دارد که باید ادا گردد، پس وقتیکه قرابت نسبی و ایمانی با هم یکجا شود، دو حق با هم یکجا می‌شود: یکی خویشی و دیگر حق برادری دینی. و اگر قرابت نسبی در بین نبود، پس قرابت و حقوق ایمانی و اسلامی باقی می‌ماند^(۱).

فصل اول:

کناره‌گیری و بریدن با خویشاوندان

دوری و بریدن با پدران، مادران، برادران، خواهران، پدر کلان‌ها، مادر کلان‌ها یا بالاتر از آن‌ها، فرزندان و فرزندان آن‌ها یا پایین‌تر از آن‌ها، کاکاها، عمه‌ها، ماماها و خاله‌ها و فرزندان آن‌ها، از گناهان بزرگ به شمار می‌رود.

چون رابطه و صله رحم با خویشاوندان مرتبه و مقام بلندی در نزد خداوند متعال دارد لذا خداوند آن را پیوست با نام خود در سوره النساء ذکر نموده است: ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ [النساء: ۱].

ترجمه: «و بترسید از اینکه پیوند خویشاوندی را گسیخته دارید (و صله رحم را نادیده گیرید)، زیرا که بی‌گمان خداوند سبحانه و تعالی مراقب شما است.»

و در سوره الرعد قطع علاقه با خویشاوندان را پیوست با پیمان شکنی و فساد در روی زمین ذکر نموده است سپس آگاهی می‌دهد که سرانجام و عاقبت چنین مردمان اینست که مورد نفرین خداوند متعال قرار گرفته به سرنوشت بدی دچار خواهند شد، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يَنْفُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾ [الرعد: ۱۲۵].

ترجمه: «و اما کسانی که پیمان خدا را می‌شکنند که با ایشان بسته است و پیوندی را می‌گسلانند که خداوند متعال به حفظ و نگاهداشت آن دستور داده است و در روی زمین به فساد و تباهی می‌پردازند، نفرین بهره‌اشان است و پایان بد جهان (که دوزخ سوزان است) از آن آنان است».

به دلیل آیات فوق بریدن با خویشاوندان گناه بزرگ و افترا می‌باشد^(۱).
ابن حجر هیثمی کناره‌گیری از خویشاوندان را از گناهان کبیره شمرده است و به آیات فوق و دیگر آیات، که گناه قطع کننده را بیان داشته است، استدلال نموده است^(۲).

چگونگی قطع رابطه با خویشاوندان و اقارب:

- می‌توان در نکات ذیل چگونگی قطع رابطه با خویشاوندان را بیان کرد:
- ۱- عدم کمک و همکاری با خویشاوندانیکه محتاج و تنگدست اند.
 - ۲- سخن چینی و تفرقه افگنی میان آنان.
 - ۳- عدم دید و بازدید و خبرگیری از آنان.
 - ۴- اشتراک نکردن در خوشی و غم آنان، شاید سال‌ها با هم همسایه باشند و لی روزی هم از حال یکدیگر نمی‌پرسند.
 - ۵- تعلیم ندادن امور دینی که به آن احتیاج دارند، در حالیکه وی قادر به اینکار است.
 - ۶- دعوت ندادن گمراه و مشرکِ آن‌ها را به دین مقدس اسلام.
 - ۷- تحقیر نمودن و اعلان بیزاری از آن‌ها در مجالس عامه بخاطر فقیر بودن آن‌ها یا به سبب دیگری.

۱- شعب الإیمان، ص: ۲۱۵.

۲- زواجر: ۲ / ۱۲۳.

اموریکه باعث قطع علاقه میان خویشاوندان می‌شود

- ۱- ندانستن عواقب بدیکه از کناره‌گیری با خویشاوندان بیار می‌آید. چنانکه ندانستن فضایل و خوبی‌های که در دوستی و محبت میان اقارب است. اینهمه منجر به بریدن و ترک آنان می‌گردد.
- ۲- ضعف تقوی و پرهیزگاری نیز باعث قطع علاقه میان خویشاوندان می‌گردد زیرا شخص بی‌تقوا در مسایلی که خداوند متعال امر نموده است بی‌اعتنا بوده انتظار پاداش اخروی را نداشته، از عواقب وخیم قطع رابطه با اقارب هراسی ندارد.
- ۳- کبر: بعضی مردمان اگر به منصب یا مقام بلندی دست یابند و یا ثروتمند و سرمایه دار گردند، خویش را بر اقارب و نزدیکانش بلند می‌شمارد، و گمان می‌کند که وی عالیقدر و محترم است، باید دیگران نزد وی بیایند و از حال و احوالش بپرسند.
- ۴- جدایی و دوری طویل‌المدت با اقارب از دوستی و محبت میان آنان کاسته، به تنهایی عادت می‌گیرند تا اینکه رفته رفته به بریدن و ترک یکدیگر منجر می‌شود.
- ۵- بعضی مردمان عادت دارند اگر کسی از اقارب ایشان بعد از مدت درازی به دیدن‌شان بیاید وی را ملامت نموده با سخنان سخت و نادرست از او پذیرایی می‌کند، این چنین کار باعث نفرت و انزجار جانب مقابل گردیده شاید در آینده از ترس سخنان زشتش به دیدنش نیاید. از اینجا قطع علاقه و جدایی میان خویشاوندان رخ می‌دهد.
- ۶- تکلف بیش از حد و بی‌مورد: بعضی بر آنست، اگر کسی از خویشاوندانش به دیدنش بیاید، در پذیرایی و استقبال آنان تکلف بیش از حد نموده، پول زیادی را به مصرف می‌رساند و خود را خساره مند می‌نماید شاید هم شخصی تنگدستی باشد، از این‌جاست که

خویشاوندانش از رفتن به خانه او کاسته البته به بیم اینکه او را مبادا در تنگنا و مخاطره اقتصادی واقع نسازند.

۷- بخیلی: بعضی مردم اگر خداوند متعال بر ایشان مال و ثروت را ارزانی نماید، از خویشاوندان و اقارب خویش در فرار شده کناره‌گیری می‌کنند، زیرا اینچنین اشخاص در هراس هستند که مبادا کسی از اقارب ایشان چیزی از آنان بخواهد، به این ملحوظ جدایی و قطع رابطه میان ایشان ایجاد می‌گردد.

پس چه سودی است در ثروت دارایی که خویش و اقارب از آن مستفید نشوند؟

۸- بی‌توجهی با مهمانان: بعضی مردم از خویشاوندان و مهمانانی که وارد منزلش می‌شوند استقبال درست ننموده با دل سردی و بی‌توجهی با آنان صحبت می‌کنند، شاید به سخنان آنان گوش ندهند و از تشریف آوری آن‌ها سپاسگذاری نکرده چنین وا نمود می‌کنند که آمدن آن‌ها مورد پسند نبوده خسته کننده می‌باشد، اینکار باعث می‌گردد تا دوستان و اقارب از دیدنش صرف نظر کنند.

۹- زشتی و بد رفتاری بعضی از زنان: بعضی از خانواده‌ها دچار زن‌های بد خلق و بی‌عاطفه می‌شوند، اینچنین زن‌ها تحمل آن را ندارند تا کسی از اقارب و دوستان به دیدن آن‌ها بیایند، اصلاً نمی‌خواهند شوهران‌شان کسی را به خانه دعوت دهند و یا رفت و آمدی در میان آن‌ها باشد، و اگر کسی هم به خانه ایشان بیاید رویه خوب نمی‌کنند و بدینترتیب قطع رابطه میان اقارب صورت می‌گیرد. چنانکه بعضی از شوهران اختیار و صلاحیت امورخانه را به خانم ایشان می‌دهند تا وی تصمیم بگیرد که با کدام فامیل رفت و آمد و دوستی کنند و با کی قطع رابطه کنند، و شوهر بدون داشتن کدام موقف درست تابع و

منقاد زن شده برنامه‌های خانم را بدون در نظر داشت عواقب آن در ساحه عمل پیاده می‌کند که اینگونه تابع بودن به زن عواقب خوب نداشته احياناً در بعضی خانواده‌ها باعث قطع رابطه شوهر با پدر و مادرش می‌گردد.

۱۰- فراموش کردن اقارب در محافل خوشی: بعضی از خانواده‌ها هرگاه پروگرام‌های خوشی و یا محافل عروسی و یا مهمانی‌های داشته باشند خویشاوندان، اقارب و دوستان خود را بوسیله کارت یا بذریعه تیلیفون و یا هم زبانی به محفل‌شان دعوت می‌نمایند، لکن احياناً در بعضی ازین موارد یگان دوست سهوا فراموش می‌شود، و اگر شخص فراموش شده مرد بی‌حوصله یا عصبانی یا بدگمان و یا ضعیف‌النفس باشد این فراموشی را تحقیر و بی‌اعتنایی به شخصیت خویش دانسته بلاخره این گمان‌ها وی را به قطع روابط با اقارب می‌کشاند.

۱۱- حسد و بد خواهی: گاهی هم دیده می‌شود شخصی را که خداوند متعال ثروت، علم و دانایی، مقام و منزلت عالی عطا می‌فرماید، یا اینکه محبت و دوستی‌اش را در دل‌های مردم جاه‌گزين می‌کند، و یا اینکه خدمتگار و دلسوز به خویش و اقارب می‌باشد بلا فاصله بعضی متشبثین با وی در عداوت و حسادت را باز نموده در پی مشکوک کردن شخصیت وی شده فضای صفا و صمیمیت را میان وی و دیگران مضطرب و آشفته می‌سازد.

۱۲- بی‌صبری و عدم تحمل با اقارب: بعضی مردم تحمل جزوی ترین مسأله را از اقارب خویش ندارند، آنان کوچک‌ترین و اندک‌ترین لغزش یا سهو و خطا یا ملامتی یکی از اقارب را وسیله و بهانه‌ای برای قطع روابط گرفته مناسبات و علاقات خود با آنان را می‌گسلانند.

۱۳- مزاح‌های خارج از چوکات و شوخی‌های بی‌حد و بی‌جا: مزاح و شوخی بی‌مورد و بی‌جا پیامدهای بدی در دنبال دارد، شاید شخصی سخن توهین‌کننده را در مجلسی بگوید که بر شخص مخاطب تاثیر منفی نموده او را احساساتی نماید و سبب بغض و کینه میان آنان گردد، اکثرا اینچنین ناراحتی‌ها در جمع شدن اقارب صورت می‌گیرد.

۱۴- واقع شدن طلاق و عکس‌العمل اقارب: طلاق نیز یکی از اسباب عمده و اساسی کدورت‌ها میان خانواده‌ها می‌باشد، که بیشتر سرچشمه آن امور کوچک خانوادگی و سوء تفاهم بین زوجین است که سبب قطع روابط خویشاوندان ذی ربط می‌گردد.

۱۵- شراکت میان خویشاوندان: شاید هم گاهی بعضی از برادران یا اقارب و دوستان برنامه‌های تجارتي را میان هم طرح نموده بکار آغاز نمایند که معمولا در ابتدا اصول و شرائط مربوط به کار را بطور واضح بیان نمی‌کنند، زیرا گمان‌های نیک و علاقات اجتماعی و قرابتی که میان آن‌ها وجود دارد آن‌ها را از ذکر شروط و اوضاع می‌دارد ایشان در ابتدا مسأله را عادی و سهل جلوه می‌دهند و هر کدام از طرف‌های معامله از خود گذشت نشان می‌دهند، ولی هنگامیکه تجارت ایشان رونق و وسعت می‌گیرد، آهسته آهسته بدگمانی‌های در بین پیدا می‌شود که بلاخره به مخالفت و دشمنی می‌انجامد، بیشتر این گونه پرابلم‌ها میان شرکای پول دوست، مستبد الرای و بی‌تقوا و خدا ناترس واقع می‌شود، روی هم رفته جار و جنجال‌ها اضافه شده روابط تیره و برهم می‌خورد و میان دوستان جدایی و قطع روابط صورت می‌گیرد و خصومت‌ها روز بروز بیشتر شده و دعوای‌شان به محاکم می‌رسد و منفور و ملامت همه می‌شوند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنَّ كَثِيرًا

مَنْ أَلْخَطَاءَ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ... ﴿۲۴﴾ [ص: ۲۴].

ترجمه: «بسیاری از شریکان و آمیزگاران و کسانی که با یکدیگر سر و کار دارند، نسبت به همدیگر ستم روا می‌دارند، مگر آنانی که واقعا مومند و کارهای شایسته می‌کنند، ولی چنین کسانی هم بسیار کم و اندک هستند».

۱۶- نزدیکی خانه‌های خویشاوندان: گاهی هم نزدیکی منازل اقارب باعث

نفرت و قطع رابطه میان آنان می‌گردد، از حضرت عمر رضی الله عنه روایت

است که وی فرموده است: (به مردمانی که با هم قرابت دارند بگویید

تا با یکدیگر دید و بازدید نمایند ولی با هم همسایه نشوند)^(۱).

اکثم بن صیفی می‌گوید: (خانه‌هایتان را از هم دور سازید، محبت و

الفت‌تان را با هم نزدیک نمایید)^(۲).

نزدیکی خانه‌های خویشاوندان باعث مشکلات می‌گردد، مثلا

کشمکش‌های که میان فرزندان‌شان رخ می‌دهد، شاید جنجال‌ها را میان

خانواده‌ها بکشاند و هر خانواده فرزند خود را بیگانه معرفی می‌کند، از اینجا

دشمنی و عداوت و قطع رابطه صورت می‌گیرد.

۱۷- تأخیر در تقسیم ترکه یا میراث: بعضی مردمان در مورد تقسیم

میراث سهل‌انگاری نموده عواقب بد آن را در نظر نمی‌گیرند. هر قدر

تقسیم میراث تأخیر گردد و دیر زمانی بر آن بگذرد، به همان پیمانانه

عداوت و آشفتگی‌ها میان اقارب افزایش می‌آید. دیده می‌شود شخصی

حق خویش را مطالبه می‌کند تا وضع زندگی خود را خوبتر سازد،

۱- بر الوالدین از امام الطرطوشی: ص: ۱۷۱.

۲- عیون الأخبار ۳ / ۸۸.

دیگری می‌میرد و بازماندگانش در شناخت حقوق‌شان در مشکلات واقع می‌شوند، وکیل‌ها نیز کوشش می‌کنند تا بهره‌ای از این حقوق را صاحب شوند. بدگمانی‌ها نیز در اینچنین موارد پیدا می‌شود، امور برهم و درهم شده، اوضاع میان اقارب متشنج می‌گردد و سر انجام جای دوستی و محبت را دشمنی و عداوت گرفته، جدایی و کناره‌گیری‌ها پیدا می‌شود.

۱۸- مشغولیت بیش از حد در امور دنیوی: بعضی‌ها آنقدر با دنیا دل می‌بندند و دنبال آن می‌روند که همه خویش و اقارب را به باد فراموشی می‌دهند و وقتی نمی‌یابند تا از آن‌ها خبری یا احوالی داشته باشند، اینچنین تشنگی به دنیا و مشغول شدن به آن، همه روابط دوستی و محبت میان اقارب را از بین می‌برد.

اثرهای ناگواریکه از قطع علاقه با اقارب بیار میاید

قطع روابط با خویشاوندان اثرهای ناگواری در پی دارد که باید هر انسان عاقل و هوشیار متوجه آن باشد و از آن دوری بجوید، در نکات ذیل می‌توان به این اثرهای منفی اشاره کرد:

۱- قطع کننده اقارب مورد نفرین خداوند متعال قرار گرفته بر قلبش مهر نهاده می‌شود و گوشش از شنیدن حق عاجز می‌گردد، خداوند متعال درین مورد چنین می‌فرماید:

﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ﴾^{۲۲}
 أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ﴾^{۲۳} [محمد: ۲۲ - ۲۳].

ترجمه: «آیا اگر (از قرآن و برنامه اسلام) روی گردان شوید جز این انتظار دارید که در زمین فساد کنید و پیوند خویشاوندی میان خویش را بگسلید؟

آنان کسانی‌اند که خداوند ایشان را نفرین و از رحمت خویش به دور داشته است لذا گوش‌های شان را کر و چشمانشان را کور کرده است».

۲- به قطع کننده اقارب وعده داده شده است که اعمالش قبول

نمی‌گردد. از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«اعمال بنی آدم در هر پنجشنبه، شب جمعه به حضور خداوند بزرگ و متعال پیش می‌شود و خداوند عمل قطع کننده رحم را نمی‌پذیرد»^(۱).

۳- رابطه قطع کننده اقارب با خداوند متعال گسیخته از رضامندی

خداوند محروم می‌شود. در حدیث قدسی خداوند متعال به زبان

پیامبر گرانقدرش رحم را چنین مخاطب قرار داده است: «..آیا راضی

نمی‌شوی که بپیوندم با کسی که به تو می‌پیوندد و بگسلم با کسی

که از تو می‌گسلد و می‌برد...؟»^(۲).

۴- قطع کننده خویش را در معرض دعای بد اقارب قرار می‌دهد،

خصوصا اگر خویشاوندانش فقیر و تنگدست و خودش ثروتمند باشد،

در این صورت وی از خیر بزرگ (دعای نیک اقارب) محروم شده بر

عکس دعاهاى بد آنها را در حق خود می‌پذیرد.

۵- شاید روزی بیاید که وی محتاج به خویشان و اقارب خود گردد، ولی

آن‌ها نظر به بد رفتاری و بی‌اعتنایی او در قبال شان، از وی دست

بکشند و اعتنا و اهمتامی به وی قایل نشوند، زیرا پاداش انسان نظر

به عملش داده می‌شود.

۶- قطع کننده در ابتدای امر وارد بهشت نمی‌شود، پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

۱- مجمع الزوائد ۸ / ۱۵۱.

۲- بخاری و مسلم.

«برنده و قطع کننده به بهشت داخل نمی‌شود»^(۱). یعنی قطع کننده صله رحم.

۷- خداوند جزای قطع کننده را در دنیا بیدرنگ می‌دهد، البته جزای آخری را نیز در پیش دارد، از پیامبر ﷺ روایت است که فرموده‌اند: «هیچ گناهی نزد خداوند سزاوار جزای عاجل دنیوی نیست مانند قطع کننده رحم و ستمگر، و در روز آخرت نیز مجازات مناسبی را به آنان آماده نموده است»^(۲).

۸- قطع رابطه با اقارب باعث گسیخته شدن پیوند و رشته‌های دوستی میان خانواده‌ها می‌شود.

۹- قطع رابطه با اقارب باعث قهر و غضب خداوند متعال و بنده‌های خداوند متعال می‌شود.

۱۰- و اخیراً بر بادی و ویرانی را بجا می‌گذارد.

۱- بخاری و مسلم.

۲- نزد امام ترمذی ۲۵۱۱ و در سلسله احادیث صحیحة البانی: ۹۱۷.

فصل دوم:

صله رحم یا رابطه با اقارب

معنای صله رحم:

مراد از صله رحم دوستی و محبت، روابط و پیوند میان خویشاوندان است. این رابطه و دوستی نه تنها در رفت و آمد میان همدیگر بوده بلکه هنگام بوقوع پیوستن اختلافات باید به صلح و آشتی آنان مبادرت صورت گیرد و همه باید در پیوست نمودن این رشته کوشا باشند، با مردم نادار و تنگدست لطف و مهربانی بیشتر و همکاری همه جانبه صورت گیرد، دعوت‌های آنان باید پذیرفته شود، در هر حالتی چه در بی‌چاره‌گی و یا توانمندی و ثروتمندی، یکسان با آنان بر خورد شود، در ایثار و فداکاری، احسان و صدقه، تقدیم هدیه یا تحفه قبل از دیگران باید خویشاوندان و اقارب مقدم تر و برتر شمرده شوند. این است معنای صله رحم یا رابطه با اقارب.

حکم صله رحم:

آیات و احادیثی زیادی در مورد صله رحم آمده است که همه بیانگر واجب بودن این پیوند بوده، مرتبه از مراتب ایمان محسوب شده است.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ
وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ
وَأَبْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا

ترجمه: «تنها خداوند را عبادت کنید و هیچ چیزی را شریک او نکنید، و نیکی کنید به پدر و مادر، خویشاوندان، یتیمان، درماندگان و بیچارگان، همسایگان خویشاوند و همسایگان بیگانه، همراهان، مسافران و بنده گان و کنیزان، بیگمان خداوند کسی را دوست نمیدارد که خود خواه و خود ستا باشد».

چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۹۰].

ترجمه: «خداوند به انصاف و نیکوکاری و نیز بخشش به خویشاوندان دستور می‌دهد و از ارتکاب گناهان بزرگ و انجام کارهای ناشایسته و تجاوز و ستمگری نهی می‌کند، و خداوند اندرز می‌دهد تا اینکه پند گیرید».

همچنان خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾ (۳۲) ﴿وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾ (۳۳) ﴿رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِن تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا﴾ (۳۴) ﴿وَعَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَالْبَنِ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا﴾ (۳۵) [الإسراء: ۲۳ - ۲۶].

ترجمه: «ای انسان - پروردگارت فرمان داده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. هرگاه یکی از آن دو، و یا هر دوی ایشان نزد تو به سن پیری برسند (کمترین اهانتی همچون) اف به آنان مگو! و بر سر ایشان فریاد مزن و به نرمی و با سخنان محترمانه با آنان سخن بگو. وبال تواضع و مهربانی را برایشان فرود آور و بگو: پروردگارا! به ایشان مرحمت فرما،

همانگونه که آنان در کوچکی مرا تربیت و بزرگ نمودند. پروردگارتان آگاه تر بدان چیزهای است که در ضمیرتان می‌گذرد، اگر افراد شایسته ای باشید پس هرآنینه وی هست رجوع کنندگان را آمرزنده، و به خویشاوندان حق آن را بده و به درویش و راه‌گذر - و مانده - بپرداز و به هیچ وجه اصراف مکن).
و در جای دیگری خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَعَاتٍ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لِّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [الروم: ۳۸].

«پس حق نزدیکان - که نیکویی و صلۀ رحم با آنان است - و حق مستمندان و واماندگان در راه را بده. این برای کسانی که ذات خدا را می‌جویند بهتر است و آنان قطعاً رستگار اند».

اما احادیثی که دلالت صریح بر واجب بودن صلۀ رحم می‌کند قرار ذیل است:

۱- از جبیر بن مطعم رضی الله عنه روایت است که حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «برنده و قطع کننده به بهشت داخل نمی‌گردد»^(۱). یعنی قطع کننده صلۀ رحم.

از حدیث فوق واضح می‌گردد که همچو جزای بزرگ جز در ترک واجب و یا ارتکاب حرام، در چیزی دیگری نیست.

۲- از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «چون خداوند مخلوقات را بطور کامل آفرید، رحم برخاسته گفت: این مقام کسی است که از قطع رحم به تو پناه آورد. خداوند فرمود: بلی آیا راضی نمی‌شوی که بیبندم با کسی که به تو می‌پیوندد و بگسلم با کسی که از تو می‌گسلد و می‌برد؟ رحم گفت: آری. فرمود: پس برای

تو محق است». سپس رسول الله ﷺ فرمود: «هرگاه می‌خواهید بخوانید (یعنی آیه مبارکه را) ﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَعُوا أَرْحَامَكُمْ﴾^(۱) أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ﴾ [محمد: ۲۲ - ۲۳].

«آیا اگر رو گردان شوید، جز این انتظار دارید که در زمین فساد کنید و پیوند خویشاوندی میان خویش را بگسلید؟ آنان کسانی‌اند که خداوند ایشان را نفرین و از رحمت خویش به دور داشته است لذا گوش‌هایشان را کر و چشمان‌شان را کور کرده است».

۳- و در روایت بخاری آمده که خداوند ﷻ فرمود: «کسی که به تو (یعنی رحم) می‌پیوندد، با او می‌پیوندم و از کسی که با تو ببرد از او می‌برم و می‌گسلم».

۴- از عبدالله بن عمرو رضی الله عنه روایت است که آنحضرت ﷺ فرمود: «صرف «پیوسته داشتن» پیوند قرابت کافی نیست، بلکه پیوند دهنده حقیقی کسی است که چون پیوند قرابتش قطع گردد آن را پیوسته بدارد»^(۱).

۵- از عایشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «رحم (خویشاوندی) بر عرش معلق و آویزان بوده و می‌گوید: آنکه مرا پیوسته دارد خدا او را پیوسته دارد و آنکه مرا قطع می‌کند خدا او را قطع می‌کند»^(۲).

۱- نزد بخاری در ادب مفرد.

۲- بخاری و مسلم.

۶- چنانکه آنحضرت ﷺ فرموده‌اند: «از خدا بترسید و صلۀ رحم‌های تان را پیوسته دارید»^(۱).

امام قرطبی در مورد صلۀ رحم چنین می‌فرماید: «همۀ ملت اسلام بر واجب بودن صلۀ رحم و حرام بودن بریدن آن اتفاق دارند، چنانکه از پیغمبر خدا ﷺ روایت است، هنگامیکه اسماء از آن حضرت پرسید که آیا با مادرم بیبوندم؟ فرمودند: (آری با مادرت بیبوند) در حالیکه مادرش کافر بود ولی آنحضرت ﷺ بخاطر تأکید و ضرور بودن صلۀ رحم وی را از پیوستن با مادر مشرکش منع نکرد»^(۲).

فضیلت و بهره‌ی نیک صلۀ رحم:

صلۀ رحم یا رابطه با اقارب فضیلت و نتایج خوب دنیوی و آخروی را در بر دارد که آیات، احادیث و اقوال علماء و حکما گواه بر آن است. ما بطور مختصر به چند آیت و حدیث رسول الله ﷺ اشاره می‌نمایم، خدا کند درین روند اندرزی برای هوشمندان باشد:

۱- پیوند رحم از بزرگترین اسباب داخل شدن به بهشت است:

از ابو ایوب رضی الله عنه روایت شده که مردی برای پیامبر ﷺ گفت: از عملی با خبرم ساز که به بهشتم داخل کند. فرمودند: اینکه خدای را پرستیده و به او چیزی را شریک نیاوری و نماز را گزارده و زکات را داده و پیوند رحم را پیوسته داری^(۳).

۱- جامع صحیح: ۱۰۸ (۱ / ۸۳) و سلسله احادیث صحیح‌های البانی: ۸۶۹.

۲- تفسیر قرطبی ۱۲ / ۵.

۳- بخاری و مسلم.

۲- پیوند رحم علامهٔ ایمان به خداوند متعال و روز رستاخیز است: از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «آنکه به خداوند و روز آخرت ایمان دارد، باید مهمان خود را احترام کند و کسی که ایمان به خداوند متعال و روز رستاخیز دارد باید صله رحم را پیوسته دارد، و کسی که ایمان به خداوند و روز آخرت دارد باید سخن نیکو گوید و یا سکوت اختیار نماید»^(۱).

۳- پیوند رحم سبب نزدیکی بنده به خداوند صلی الله علیه و آله می‌گردد:

از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چون خداوند مخلوقات را بطور کامل آفرید، رحم برخاسته گفت: این مقام کسی است که از قطع رحم به تو پناه آورد. خداوند فرمود: بلی آیا راضی نمی‌شوی که بیبندم با کسی که به تو می‌پیوندد و بگسلم با کسی که از تو می‌گسلد و می‌برد؟ رحم گفت: آری، خداوند فرمود: پس برای تو محقق است»^(۲).

۴- پیوند رحم طاعت خداوند است:

خداوند کسانی را که پیوند رحم را محکم و پیوسته نگه می‌دارند تمجید و توصیف نموده می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ﴾ [الرعد: ۲۱].

ترجمه: «و کسانی که بر قرار می‌دارند پیوندهای را که خدا به حفظ آنها دستور داده است و از پروردگارشان می‌ترسند و از محاسبه بد هراسناک می‌باشند».

۱- بخاری و مسلم.

۲- بخاری و مسلم.

۵- پیوند رحم سبب فراخی روزی و زیاد شدن عمر می‌باشد:

از انس رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «کسیکه دوست بدارد اینکه روزی‌اش فراخ گردیده و عمرش طولانی گردد، باید صلۀ رحمش (روابط با نزدیکان) را پیوسته بدارد»^(۱). در ظاهر چنین تصور می‌شود که میان این عبارت (عمرش طولانی گردد)، و آیه مبارکه که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾ [الأعراف: ۳۴]. ترجمه: «و هنگامیکه زمان - أجل - آنان بسر رسد نه لحظه‌ای تأخیر خواهند کرد و نه پیشی می‌گیرند».

تعارضی وجود دارد که پاسخ آن این است که زیادت عمر یا کنایه از برکت در عمر است به سبب توفیق یافتن به طاعت خدا و انجام کارهای که او را به خداوند نزدیک می‌سازد یا حقیقتاً در عمر او افزوده می‌شود و آنهم نسبت به أجل معلق. بدون اینکه در أجل مطلق او تغییری رو دهد^(۲).

۶- صدقه بر خویشاوندان تنگدست و بینوا اجر و پاداش دو چند دارد:

چنانکه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت است که فرمودند: «صدقه بر مسکین صدقه است و اگر برای خویشاوندان دهد هم صدقه است و هم صلۀ رحم»^(۳).

۷- پاداش صلۀ رحم و قطع آن هر چه زودتر داده می‌شود:

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ عملی نیکو مانند صلۀ رحم نیست که پاداشش به زودی داده شود. و هیچ عملی بد مانند

۱- بخاری و مسلم.

۲- شرح ریاض الصالحین ۱/ ۲۷۲.

۳- روایت امام ترمذی: ۶۶۵۸ و امام ابوداود: ۲۳۵۵.

بریدن صله رحم و ستمگری نیست که کيفرش بی‌درنگ داده شود»^(۱).

۸- پیوند رحم سبب محو گناهان می‌گردد:

از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول الله: من مرتکب گناه بزرگی شده ام آیا راه توبه است تا توبه کنم؟ آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا مادر داری؟» گفت: نه. فرمودند: «آیا خاله داری؟» گفت: بلی. فرمودند: «پس با او احسان و نیکی کن»^(۲).

۹- کسیکه صله رحم را پیوسته می‌دارد:

اقربش به وی دعای نیکو نموده محبت و دوستی‌اش در اعماق قلب‌های‌شان جایگزین می‌گردد.

چون نفس انسانی به گونه‌ای نهاده شده است که اگر کسی به وی چیزی عطا نماید ویا احسانی نماید وی را دوست می‌دارد. پس اگر انسان خویش و اقربش را مورد لطف و عطای خود قرار دهد حتماً با او دوستی می‌نماید و دعای نیک در حقیقش می‌کنند.

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «از نسب‌های‌تان آگاه باشید تا پیوندهای خویشی‌تان را پیوسته دارید. زیرا پیوند رحم باعث دوستی میان اقارب، فراخی روزی و طول عمر می‌گردد»^(۳).

۱۰- پیوند رحم از جمله خوبی‌ها و صفات برجسته است:

که دین اسلام به آن تأکید نموده است.

هیچ دینی مانند اسلام به پیوند و دوستی میان پیروانش عموماً و خویش

۱- روایت امام ترمذی: ۵۳۹۱ و امام بیهقی: ۴۲/۱۰.

۲- نزد امام ترمذی حدیث: ۱۹۰۵ و صحیح سنن ترمذی، حدیث: ۱۵۵۴.

۳- نزد امام ترمذی: ۱۹۷۹ و امام احمد ۲/۳۷۴.

و اقاربتش بصورت خاص امر ننموده و توجه به خرچ نداده است چنانکه اسلام خواهان روابط حسنه و وجود رشته‌های ناگسستنی میان پیروان خود است.

۱۱- پیوند رحم دلالت به فراخی سینه، اخلاق عالی، نیک سرشتی، وفا، صداقت و جوانمردی می‌کند.

گفته‌اند: کسیکه با خویشش خوبی و وفا نکند با تو هرگز نخواهد کرد.

۱۲- مردمانیکه پیوند رحم را پیوسته می‌دارند:

در جامعه عزتمند قدرتمند زنده گی می‌کنند و کسی جرأت نمیتواند با چشم بد بسوی آنان بنگرد و همیشه با احترام و خوبی از آنان یاد می‌گردد. برعکس اگر خویشاوندان با هم اختلاف نموده و قطع علاقه کنند در انظار مردم و جامعه ضعیف ناتوان بی‌قدر و بی‌اهمیت می‌باشند و دشمن نیز با جرأت و بدون هراس آن‌ها را مورد تاخت و تاز خود قرار می‌دهد.

اموریکه پیوند رحم را محکم و پایدار نگه می‌دارد

بعضی آداب و روش‌های است که باید بخاطر پایدار بودن روابط میان اقارب مراعات گردد. ما بطور مختصر خدمت‌تان این آداب را بیان می‌کنیم:

۱- انسان باید ثمره و عواقب خوب پیوسته داشتن با اقارب را درست درک کرده در پی تحکیم آن باشد.

چنانکه عواقب بد و ناگوار قطع رابطه با آن‌ها را بداند که سر انجامش جز پریشانی و ندامت نخواهد بود.

۲- در مقابل بدی آن‌ها خوبی ننماید، برداشت و تحمل آزار و اذیت آن‌ها را داشته باشد. به این ترتیب رشته دوستی پایدار باقی می‌ماند. چنانکه گفته‌اند: گذشت خصلت مردان است.

روایت است که شخصی نزد آنحضرت ﷺ آمد و گفت: یا رسول الله! من اقاربی دارم که با آنها پیوستگی نموده و صلہ رحم را بجای می آورم ولی آنها با من قطع مراوده می کنند و من با آنها احسان و نیکی می کنم ولی آنها با من بدی می کنند و من در برابرشان از بردباری کار می گیرم در حالیکه آنها بر من خشم و تندی می ورزند. آنحضرت ﷺ فرمود: «اگر چنانکه گفتی باشی مثل آنست که خاکستر داغ را به آنها بخورانی (روی شان را مانند رنگ خاکستر کرده ای و سیه روی شان ساخته ای). و همیشه همراه تو از طرف خداوند یاری و مددگاری بسر می برد تا بر این روش و شیوه ادامه دهی» (روایت مسلم: ۲۵۵۸).

۳- پذیرفتن عذر آنها و عفو کردن لغزش های شان چنانکه یوسف علیه السلام با برادران خود تعامل کرد آنچه را که در حق وی کرده بودند یاد آور شدند و معذرت خواستند و یوسف علیهما السلام با اخلاق عالی که داشت آنها را مورد عفو خود قرار داد و هرگز بر آنان خشم نکرد و گذشت کرد بلکه از خداوند خواستار عفو و مغفرت آنان شد.

۴- تواضع و شکسه نفسی محبت و دوستی را ایجاد می کند پس باید با همه از این راه پیش رفت و در قدم اول با خویشاوندان.

۵- چشم پوشی و نادیده گرفتن بدی ها و عیب های مردم از کردار و شیوه های بزرگان و راد مردان است. این روش الفت و دوستی را محکم و استوار نگه می دارد. چنانکه دلالت بر صفای سینه و فراخی آن می کند پس باید با اقارب قبل از دیگران از این راه پیش رفت.

۶- در مقابل خویشان و اقارب از سخاوت ایثار و فداکاری باید کار گرفت تا دوستی و محبت ناگستنی و محکم باقی بماند.

۷- انسان کوشا باشد تا منت خود را بر اقاربش نگذارد و از آن‌ها مطالبهٔ بالمثل نکند. خوبی و احسان نماید به دیدن مستمر آنان بپردازد. اگر توان تعاون و همکاری را با آنان داشت سستی و سهل انگاری نکند ولی انتظار نداشته باشد تا آن‌ها نیز مانند خودش با وی رویه و رفتار نمایند شاید قادر به همچو کارها نباشند.

۸- شناخت خو و خواص و طبیعت و مزاج اقارب امر ضروری است تا با هرکه مطابق میل و مزاجش رفتار صورت گیرد. بعضی به یکبار زیارت کردن در طول سال راضی و قناعت می‌کند، (نظر به دوری محل سکونت) و بعضی‌ها با تماس تلفونی یا نامه‌خشنود می‌شوند، دیگری دوست دارد تا اقاربش بطور همیشه‌گی از وی احوال‌گیری کنند، پس باید بخاطر دوام و پایدار بودن روابط میان خویشاوندان با هرکه مطابق خواست و مزاجش برخورد صورت گیرد.

۹- از تکلف بیمورد اجتناب صورت گیرد تا اقارب بتوانند بدون هراس وارد منزل خویشان گردند، زیرا مردم انسان‌های بی‌آلایش را دوست می‌دارند.

۱۰- از خشمگین شدن و سرزنش بیش از حد در مقابل خویشاوندانیکه مرتکب اشتباهی شده‌اند اجتناب شود، تا مانع دید وادیدشان نگردد.

۱۱- از بحث و نقاش بیفایده و بی‌نتیجه با اقارب خود داری به عمل آید چون هرکه می‌خواهد تا بر جانب مقابل غالب آید، از این جاست که کدورت‌ها و عداوت میان اقارب بروز می‌کند.

۱۲- هیچ اجتماعی نیست که در آن ناراحتی و یا آزرده‌گی صورت نگیرد پس بر همه لازم است در اصلاح ذات‌البین بشتابند، خصوصا مردمانی که مورد پسند همه خویشاوندان است در رفع آزرده‌گی‌ها میان اقارب کوشش نمایند و شیطان را نگذارند تا از تیره‌گی استفاده

نموده اختلاف را شعله ور نماید و دامنه آن را به هر خانه و کاشانه بکشانند.

۱۳- در برنامه‌های خوشی و مهمانی‌ها باید قبلاً نام نویسی صورت گیرد تا مبادا کسی از اقارب از قید قلم باقی نماند، و اگر هر خانواده ای نام‌ها و عناوین و شماره‌های تلفونی اقارب را نزد خویش داشته باشند تا در وقت ضرورت به آن رجوع نمایند کار خوب خواهد بود. احياناً اگر کسی از اقارب را در این چنین برنامه‌های خوش و نشست‌ها فراموش کرد پس بلا درنگ برای معذرت خواهی وی بشتابند و به هر شکلی که امکان دارد رضایت وی را حاصل نمایند.

۱۴- در مورد تقسیم میراث باید عجله نمایند تا هرکه قسمت و نصیب خویشرا صاحب شود و راهی برای مخاصمه و مطالبه ناحق باقی نماند و همچنان روابط میان اقارب آشفته و خلل پذیر نشود.

۱۵- اگر خویشاوندان در تجارت و یا هر برنامه دیگری مشترکاً کار نمودند باید قبل از همه شروط و قرار داد را بطور واضح و صریح بنویسند و از راه ایثار و فداکاری، مشورت و امانت به پیش روند و هرکه مال شریک خود را مال خود بشمارد، و از لغزش‌های یکدیگر چشم پوشی نمایند. باید هر خورد و بزرگ برنامه کار خود را بنویسند و از صراحت در مورد کار بگیرند.

۱۶- همه باید بدانند که دشمنی با اقارب بلا و آفت بزرگی است، درین چنین دشمنی‌ها طرف غالب شکست خورده و منهزم بوده و سودمندش زیانکار خواهد بود.

۱۷- خانواده‌ها باید با اقارب‌شان نشست‌های نوبتی داشته باشند. این نشست‌ها ماهانه یا سالانه صورت گیرد تا الفت، وصلت، محبت و

دوستی پایدار باقی بماند و بهتر است یکی از بزرگان را مسؤول تدویر این نشست‌ها تعیین کنند تا در وقت معینه آن را به اجرا در آورند.

۱۸- صندوق تعاونی اقارب: درین صندوق همه اقارب شرکت نموده هر شخص یا خانواده نظر به توان خود مبلغی بپردازد، و شخصی امانتکار را مسؤول آن صندوق تعیین کنند، و در وقت نیاز و ضرورت بعد از بررسی مشکل، از این صندوق استفاده شود.

۱۹- خویشاوندان باید مجلس مشورتی داشته باشند که متشکل از بزرگان و مردمان با سنجش و با تدبیر و بردباری باشد تا در وقت وقوع مشکل یا مصیبتی معزله را به طور مناسب حل و فصل بتوانند. همچنان از حدوث مشکلات مستقبلی جلوگیری نمایند.

۲۰- در مزاح و شوخی میان خویشاوندان میانه روی بهتر است و کسیکه تحمل مزاح را ندارد نباید با وی شوخی و مزاح صورت گیرد.

۲۱- انسان باید بداند که اقاربش پارچه و پود اوست که بدون آن‌ها نمیتوان زنده گی کرد و از آن‌ها جدا شده نمیتواند، عزت آن‌ها عزت اوست، ذلت و خواری آن‌ها ذلت و خواری اوست. و این را نیز بداند که پیوند داشتن با اقارب عبادت است و از این راه به خداوند متعال قربت حاصل می‌نماید، چنانکه خداوند متعال و پیامبرش مسلمانان را به آن امر و توصیه نموده‌اند. و اگر کسی بخاطر ننگ و غیرت جاهلی، تعصب و نژاد پرستی با خویشانش الفت و محبت می‌کند باید بداند که از راه حق منحرف شده است و در نزد خداوند متعال بهره ای از این پیوستن ندارد.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

مآخذ

- ۱- تفسیر قرطبی از امام قرطبی
- ۲- تفسیر نور از دکتور مصطفی خرم دل
- ۳- صحیح امام بخاری با شرح فتح الباری
- ۴- صحیح امام مسلم با شرح نووی
- ۵- ادب مفرد از امام بخاری
- ۶- سنن ترمذی
- ۷- سنن ابو داود
- ۸- سنن بیهقی
- ۹- مسند امام أحمد
- ۱۰- شعب الإیمان از بیهقی
- ۱۱- شرح ریاض الصالحین از امام نووی
- ۱۲- زواجر از ابن حجر هیثمی
- ۱۳- برالوالدین از امام طرطوشی
- ۱۴- عیون الأخبار از ابن قتیبہ
- ۱۵- مجمع الزوائد و منبع الفوائد از نورالدین هیثمی
- ۱۶- غذاء الألباب از بلبانی
- ۱۷- سلسله احادیث صحیحه از البانی
- ۱۸- قطیعة الرحم از محمد بن ابراهیم الحمد
- ۱۹- صلة الرحم از أم حفص عبیر بنت محمد شویحی
- ۲۰- الأخلاق الإسلامية از عبدالرحمن میدانی
- ۲۱- ادب نبوی از خولی

- ۲۲- برالولدين و صلة الأرحام از صاغر جى
- ۲۳- أدب دنيا و دين از ماوردى
- ۲۴- إحياء علوم الدين از امام غزالى
- ۲۵- حقوق دعت إليها الفطرة از ابن عثيمين
- ۲۶- بهجة المجالس از ابن عبد البر
- ۲۷- لسان عرب از ابن منظور
- ۲۸- مجموع فتاوى از شيخ الإسلام ابن تيميه
- ۲۹- روضة العقلاء از ابن حبان بستى
- ۳۰- مزهر از إمام سيوطى